




## Re-identifying the author of the commentary ascribed to Imam

### *Ḥasan 'Askarī(AS)*

**Kazem Ostadi Moghaddam** 

Masters graduate, The University of Quran and Hadith

Email: ostadikazem@yahoo.com

#### Abstract

The commentary ascribed to Imam *Ḥasan ibn Ali 'Askarī (AS)* is one of the earlier Shi'a narrative interpretations in the third century. There are controversies about this exegesis and it has been criticized by both earlier and later *Imamiyyah* scholars. Accordingly, the baseless and incorrect content of this exegesis, its related controversies as well as proving its non-attribution to the eleventh Imam arise some questions; if the current commentary isn't ascribed to Imam *Ḥasan 'Askarī* or his magnanimous father, who is its real author? What evidence is there to suggest its attribution to a particular person or show its author is unknown? So, the present study tries to identify the author of this commentary. The textual indications of the exegesis as well as the historical documents show that the real author of the exegesis is *Ḥasan ibn Ali 'Askarī* entitled '*Nāṣir Lilḥaq Utrūsh*', the leader of the Zaydi sect and the '*Alavī*' ruler of *Tabaristan*.

**Keywords:** Ḥasan ibn Ali, Utrūsh, Commentary of Imam Ḥasan 'Askarī(AS), the Contention, Naṣir Kabīr, Shaykh Ṣadūq



سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۲ - ۹	HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2022.77657.1336">https://doi.org/10.22067/jquran.2022.77657.1336</a>

## بازشناسایی مؤلف تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)

کازم استادی مقدم



دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

Email: ostadikazem@yahoo.com

### چکیده

تفسیر منسوب به امام حسن بن علی عسکری (ع) از تفاسیر روایی متقدم شیعه در قرن سوم است که از جهات مختلفی مناقشه آمیز است و توسط برخی از اندیشمندان متقدم و متأخر امامیه نقد و گفت‌گوهای انتقادی شده است. با توجه به برخی مطالب سست و نادرست موجود در این تفسیر و نیز مناقشات راجع به آن و مخصوصاً روشن شدن عدم انتساب تفسیر به امام یازدهم (ع)، اکنون این سؤال به وجود می‌آید که اگر تفسیر کنونی برای امام حسن عسکری (ع) یا پدر بزرگوارشان نیست، پس مؤلف کتاب کنونی تفسیر چه کسی است؟ چه دلایلی وجود دارد که نشان دهد تفسیر کنونی متعلق به شخص به خصوصی است؟ یا اینکه این کتاب با فرض عدم انتساب به امامین عسکریین (ع)، به نوعی مجهول المؤلف است؟

نوشتار حاضر طی مقدماتی به شناسایی مؤلف این تفسیر می‌پردازد و با دلایل و شواهدی از متن خود تفسیر و اسناد تاریخی دیگر نشان می‌دهد که مؤلف تفسیر کنونی در واقع حسن بن علی عسکری، ملقب به ناصر للحق اطروش، امام زیدیه و حاکم علوی طبرستان است.

**واژگان کلیدی:** حسن بن علی، اطروش، تفسیر امام حسن عسکری، احتجاج، ناصر کبیر، شیخ صدوق.

## مقدمه

تفسیر منسوب به امام حسن بن علی عسکری(ع) از تفاسیر روایی و حدیثی متقدم شیعه است که در آن بسیاری از آیات، تأویل شده و غالب تأویل‌ها نیز درباره معجزات پیامبر(ص) و امامان شیعه و به نوعی مباحث امامت و ولایت است. متن موجود این تفسیر، ناقص و به نوعی درهم آمیخته است (استادی، معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه خطی، ۵۴) و فقط تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره را شامل است که در میان آن بسیاری آیات مفقود است.

این تفسیر قرآن به نسبت کتاب‌های هم‌عرض و مشابه خود بسیار پرنسخه است، به طوری که نزدیک به یکصد نسخه خطی دارد (نک: درایتی، ۶۶۰/۸) که در نوع خود کم‌نظیر است؛ هر چند که مورد بی‌توجهی فهرست‌نویسان و تراجم‌نگاران امامیه قرار گرفته است و از حدود قرن هفتم به بعد برخی از ایشان به آن توجه کرده‌اند (همو، بررسی رجالی اسناد تفسیر، سراسر متن).

تفسیر کنونی از جهات مختلفی همچون نسخ خطی، تاریخ تألیف اثر، انتساب کتاب به مؤلف، اسناد ابتدای کتاب و از همه مهمتر، محتوای کتاب مناقشه‌آمیز است و توسط اندیشمندان نقد شده است و راجع به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) گفت‌وگوهای اجمالی و اشاراتی انتقادی در برخی از منابع متقدم و متأخر امامیه صورت گرفته است (نک: میرداماد، ۱۲۱ تا ۱۸۸؛ بلاغی، ۴۹/۱؛ شوشتری، ۱۵۲/۱ تا ۲۲۸؛ شعرانی، ۵۸۰/۱۰). آثار مستقلی پیرامون این کتاب موجود است: «استادی، بحثی درباره تفسیر امام حسن العسکری(ع)؛ هاشمی، فاطمه، بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری(ع)؛ ناظمی، ربابه و مجید معارف، تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تأثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر».

## طرح مسئله

باتوجه به برخی مطالب سست و نادرست تفسیر عسکری (نک: بلاغی، ۴۹/۱؛ شوشتری، ۱۵۲/۱ تا ۲۲۸) و نیز مناقشات پیرامون تفسیر امام حسن عسکری(ع) (نک: استادی، بحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن) و مخصوصاً عدم انتساب تفسیر به امام عسکری(ع) (نک: همو، بازشناسی نویسندگان توقیعات منسوب به امام عصر(ع)، سراسر متن)، اکنون این مسئله به وجود می‌آید که اگر تفسیر کنونی برای امام حسن عسکری(ع) یا پدر بزرگوارشان نیست؛ پس مؤلف کتاب کنونی تفسیر چه کسی است؟ چگونه می‌توان این تفسیر را به شخص دیگری به غیر از امام(ع) استناد کرد؟ چه دلایلی وجود دارد که نشان دهد تفسیر کنونی متعلق به شخص خاصی است؟ یا اینکه این کتاب با فرض عدم انتساب به امام حسن عسکری(ع) یا امام هادی(ع) به نوعی مجهول‌المؤلف و ناشناس است؟

نوشتار حاضر باتوجه به مناقشات انتساب کتاب به امام حسن عسکری(ع)، به صورت اختصاصی طی مقدماتی به شناسایی مؤلف این تفسیر می‌پردازد تا با دلایل و قرآنی نشان دهد که مؤلف تفسیر کیست.

## ۱. اطلاعاتی که از تفسیر کنونی در اختیار داریم

باتوجه به ساختار متن و محتوای تفسیر عسکری و نیز نسخه‌های خطی و اسناد آن، اطلاعات متنوعی می‌تواند در اختیار ما قرار گیرد؛ برخی از این اطلاعات کلی تفسیر عسکری که راهگشای ماست عبارت‌اند از:

### ۱.۱. محدوده تاریخ ایجاد تفسیر عسکری

أ. محدوده زمانی ایجاد تفسیر بر اساس نسخه‌های خطی: قدیمی‌ترین نسخه مستقل این تفسیر، نسخه خطی دانشگاه تهران (شماره 6414)، به تاریخ 808 ق است که صفحات اولیه و نیز صفحه آخر و تاریخ‌دار آن، نونویس و غیراصیل است، ولی بالاخره نگارش کلی نسخه از نظر سبک خط و فرم صفحات و... مطابق با نسخه‌های خطی قرن هشتم است. بنابراین، از نظر تاریخی و نسخه‌شناسی، تاریخ کتابت نسخه با متن اصلی نسخه هماهنگی تاریخی دارد.

در برخی از آثار شیخ صدوق نیز روایاتی به نقل از تفسیر عسکری وجود دارد که قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار آن مربوط به ۵۷۶ ق و برای کتاب عیون اخبار الرضا(ع) است (درایتی، ۲۱۲/۲۳). البته نسخه‌های دیگر که در حدود قرن چهارم؛ یعنی هم‌عصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) تخمین زده شده نیز وجود دارد. این نسخه بسیار ناقص است و اکنون دانسته نیست که آیا در آن روایتی از تفسیر عسکری وجود دارد یا خیر. بنابراین، تاکنون نسخه‌های قدیمی‌تر از قرن هشتم و نهم برای تفسیر عسکری وجود ندارد و نسخه آثار دیگر که حاوی روایات این تفسیر است نیز قدیمی‌تر از قرن چهارم نیست. پس نگارش این تفسیر از نظر نسخه خطی مربوط به قبل از وفات شیخ صدوق؛ یعنی ۳۸۱ ق است.

ب. محدوده تاریخی نگارش تفسیر بر اساس انتساب: گاهی اثری اشتبهاً به شخصی منتسب می‌شود، ولی این انتساب می‌تواند قرینه و شاهی بر دوره حیات و زندگی مؤلف اصلی باشد. باتوجه به اینکه تفسیر عسکری به امامین عسکریین(ع) منتسب شده است (نک: ابن‌غضائری، 98) و امامین عسکریین(ع) در سال‌های 212 تا 254 ق و نیز 232 تا 260 ق زندگی می‌کرده‌اند؛ بنابراین، می‌توان از نظر این انتساب احتمال داد که مؤلف اصلی تفسیر نیز شاید در محدوده قرن سوم باشد.

ج. دایره زمانی ایجاد تفسیر مبتنی بر حیات راویان تفسیر: تفسیر عسکری چند نوع اسناد تقریباً مشابه دارد (نک: همو، گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن). برای دقت بیشتر

در تاریخ حیات راویان تفسیر لازم است راویان اسناد تفسیر را به دو بخش تقسیم کنیم: 1. راویان اسناد تفسیر تا شیخ صدوق؛ 2. راویان از شیخ صدوق تا عسکری که عبارت‌اند از: محمدبن القاسم المفسر الاسترآبادی قال: حدثنی یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار. یوسف و علی، شاگرد گوینده کتاب تفسیر و معاصر نزدیک مؤلف یا گوینده تفسیر هستند و متن تفسیر را نگارش کرده‌اند. بنابراین، تنها یک راوی باقی می‌ماند که شخص محمدبن القاسم الاسترآبادی (ظ قبل از 250ق) است. شیخ صدوق بیش از سی روایت تفسیر را احتمالاً در سفرش به استرآباد و جرجان (حدود سال 368ق) از وی نقل کرده است. بنابراین، بر مبنای حیات راویان تفسیر دایره زمانی ایجاد تفسیر قبل از حدود سال 368ق است.

د. دایره زمانی تفسیر مبتنی بر شواهد تاریخی متن: در متن داستان، راویان اصلی تفسیر عسکری که متن اصلی تفسیر به آن‌ها املا شده است، آمده: «پدران ما شیعه امامی بودند؛ در زمانی که زیدی‌ها در استرآباد قدرت غالب شده بود و ما تحت حاکمیت حسن بن زید علوی، ملقب به الداعی الی الحق، امام زیدیه بودیم» (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، 11).

دو اشاره مهم در این داستان وجود دارد که گویای دو تاریخ است. حسن بن زید، ملقب به الداعی الی الحق، از سادات حسنی اهل مدینه و پیرو مذهب جارودیه زیدیه بود که در سال ۲۵۰ق پس از درخواست اهالی طبرستان قیامی را در آن منطقه رهبری کرد و از دل آن قیام، حکومت علویان طبرستان ایجاد شد (نک: جعفریان، ۳۰۴ تا ۳۰۲). او پس از سرکوب مخالفان داخلی توانست منطقه گرگان و استرآباد را نیز در سال ۲۵۳ق فتح کند. وی تا زمان مرگش، یعنی سال ۲۷۰ق، حکمرانی خود را با مذهب رسمی زیدیه ادامه داد (نک: واردی، ۶۹ و ۸۲).

بنابراین، دانسته‌های تاریخی از حکومت علویان طبرستان نشان می‌دهد که نگارش تفسیر در میانه سال‌های ۲۵۳ق تا ۲۷۰ق رخ داده است. باتوجه به مطالب و تاریخ‌هایی که گذشت احتمالاً تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) در محدوده یکصد سال، یعنی میانه سال‌های 250 تا 350ق نگارش یافته است. بنابراین، برای کشف هویت نویسنده یا املاکننده این تفسیر لازم است به شخصیت‌هایی که در این محدوده زمانی زندگی می‌کرده‌اند، توجه و تأمل کنیم.

## ۲.۱. ساختار شکلی تفسیر عسکری

متن نسخه موجود تفسیر فقط شامل تفسیر استعاده، بسم الله، سوره حمد و سوره بقره تا پایان آیه ۲۸۲ است که البته حدود ۱۳۰ آیه از سوره بقره نیز در میان صفحات جزوه‌های نسخه‌های خطی کتاب مفقود شده است. در نسخه چاپی تفسیر، حدود ۳۷۹ روایت شماره‌گذاری شده است (عسکری، التفسیر الامام

العسکری، سراسرمتن) و این روایات از نظر حجم سه دسته‌اند: ا. روایات کوتاه؛ یعنی روایاتی که از نظر حجم روایت کمتر از یک صفحه و شامل ۱۵۹ روایت است که اکثر آن‌ها بلافاصله بعد از آیات قرآن آمده‌اند و درصدد تفسیر و تبیین و رفع ابهام آیه هستند؛ ب. روایات متوسط؛ یعنی روایاتی که بیش از نیم صفحه تا یک صفحه و شامل ۸۸ روایت‌اند. این روایات غالباً بعد از یک آیه نیامده‌اند، بلکه در میانه یا در پایان روایات دیگر یا چند آیه قرار گرفته و گاهی داستان‌گونه بیان شده‌اند؛ ج. روایات بلند و مفصل؛ یعنی روایاتی که بیش از یک صفحه و غالباً چندین صفحه و شامل ۱۳۲ روایت‌اند. این روایات که بخش اعظم حجم کتاب تفسیر را تشکیل می‌دهند اکثراً درباره معجزات و کرامات اهل بیت(ع) و مخصوصاً حضرت امیر(ع) است (نک: ناظمی، ۴۴).

ا. افتادگی و ازین رفتن بخش‌هایی از مجلدات تفسیر عسکری: در متن کنونی تفسیر مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد نسخه‌بردار اولیه، بخش‌هایی از جزوات تفسیر را یافته و امیدوار بوده است تا بخش‌های مفقود دیگر تفسیر را نیز بیابد و به جمع جزوات تفسیر اضافه کند (عسکری، التفسیر الامام العسکری، 568).

باتوجه به اینکه تقسیم قرآن به سی جزء و هر جزء به چهار حزب، پس از دوران حجاج و به منظور تسهیل در امر تدریس و فراگیری قرآن انجام گرفت (نک: صالح، ۹۳ تا ۹۷) و به سبب مدارس علمی و آموزشی پررنگ شد (زرکشی، ۲۵۰/۱)، به نظر می‌رسد که متن تفسیر عسکری نیز بر اساس احزاب قرآن، تدوین و نسخه‌نویسی شده است.

ب. درهم آمیختگی مطالب و مجلدات تفسیر عسکری: طبق نشانه‌هایی که در عنوان قبل بیان شد، تفسیر یک جلدی کنونی که شامل آیات حمد تا 283 سوره بقره است در واقع شامل مجلدات نازک‌تری بوده است که طبق قرائن، مطابق با تقسیم‌بندی احزاب قرآن کریم است؛ یعنی هر حزب، یک مجلد تفسیر را تشکیل می‌داده است. اما در این میان، بخشی از این مجلدات در دسترس نسخه‌برداری اولیه قرار گرفته است که چون برخی از این جزوات کامل نبوده و برخی برگ‌برگ شده بوده‌اند، نسخه‌برداری که آن را مجموع و یک‌جا نگارش و صحافی کرده، دقت لازم را در ترتیب مطالب از خود به خرج نداده است و این تجمع، شامل ترتیب کامل و درست آیات قرآن نیست؛ به این معنا که برخی مجلدات، پس و پیش در کنار هم قرار گرفته و تجمیع و نسخه‌برداری شده‌اند (نک: استادی، معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن).

### ۳.۱. موضوع تفسیر عسکری

تفسیر عسکری با روایاتی در خصوص فضائل قرآن، تأویل و آداب قرائت قرآن آغاز شده و در ادامه،

احادیثی درباره فضائل اهل بیت و مثالب دشمنان ایشان، مخصوصاً حضرت علی(ع) ذکر شده است و نیز مطالب متنوعی از سیره نبوی، همانند مناسبات پیامبر و یهودیان را (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۶۳ تا ۱۶۱ و ۱۹۰ تا ۱۹۲ و ۴۰۶ تا ۴۰۷) در بر دارد. در این تفسیر برخی آیات تأویل شده و بیشتر تأویل‌ها درباره معجزات پیامبر و امامان است و غالب حجم کتاب راجع به فضایل، معجزات، ولایت و جانشینی حضرت امیر(ع) است (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۷۱۷ تا ۷۲۷).

## ۲. تفسیر کنونی با چه شخصیتی هماهنگ است؟

باتوجه به برخی مطالب سست و نادرست موجود در تفسیر عسکری (نک: بلاغی، ۴۹/۱؛ شوشتری، ۱۵۲/۱ تا ۲۲۸) و نیز مناقشات راجع به آن (نک: استادی، بحثی درباره تفسیر امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن) و مخصوصاً روشن شدن عدم انتساب تفسیر به امام یازدهم(ع) (نک: همو، بازشناسی نویسندگان توقیعات منسوب به امام عصر(ع)، سراسر متن)، اکنون این سؤال اصلی مطرح است که اگر تفسیر کنونی و در دسترس از امام حسن عسکری(ع) یا پدر بزرگوارشان نیست، پس مؤلف کتاب تفسیر چه کسی است؟ و این تفسیر با چه شخصیتی هماهنگ است؟

بر اساس برخی اطلاعاتی که از تفسیر، پیش روی ما قرار گرفت و نیز بعضی از شواهد متنی و جغرافیای راویان و نشر این تفسیر در منطقه طبرستان و از همه مهمتر، اسامی مشترک و مشابه امام یازدهم شیعیان(ع) با حسن بن علی عسکری اطروش (به زودی درباره آن‌ها سخن خواهیم گفت) و نیز شرح حال و زندگانی حسن بن علی عسکری اطروش به نظر می‌رسد که می‌توان این فرضیه را طرح کرد که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) متعلق به ناصر کبیر اطروش است.

سیدناصر، سومین حاکم علوی طبرستان، با نام اصلی حسن بن علی و ملقب به ناصر اطروش یا ناصر للحق است. وی زیدی مذهب است (نک: علم الهدی، ۱۴۱۷ق، ۳۸)، هر چند که برخی به اشتباه و به سبب گرایش‌های امامی‌اش، او را امامی دانسته‌اند (نک: امین عاملی، ۱۷۹/۵). تألیفات و آثار زیادی به اطروش نسبت داده‌اند (ابن ندیم، ۲۴۰؛ استادی، معرفی آثار قرآنی ناصر للحق اطروش، سراسر متن) که از جمله این آثار تفسیر کبیر یا تفسیر الاطروش است (نک: آقابزرگ تهرانی، ۲۶۱/۴).

## ۳. شواهد و دلایلی که نشان می‌دهد تفسیر از اطروش است.

برای انتساب تفسیر به شخص حسن بن علی عسکری زیدی، از جنبه‌های مختلفی می‌توان به دلایل پشتیبانی‌کننده پرداخت. در ادامه، دلایل خود را در سه بخش بیان می‌کنیم.

### ۳. ۱. دلایل مرتبط با اسناد و نسخه‌ها

أ. اسناد صدوق، حسن بن علی ناصری است: با توجه به اسناد تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) در آثار شیخ صدوق (استادی، تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)، سراسر متن)، حداقل دو نتیجه یا جمع‌بندی مشخص شده است: اول، دو طریق صدوق به حسن بن علی: دست‌کم، دو طریق در آثار شیخ صدوق از تفسیر عسکری یافت می‌شود که منتهی به حسن بن علی است و البته تفاوت‌های بسیار شاخصی در توصیفات خود دارد که گویای دو شخص مجزاست؛ یکی امام زیدیه و دیگری امام امامیه؛ دوم، حسن بن علی اسناد صدوق، ناصر اطروش است: با توجه به مطلب قبل اکنون لازم است بررسی مستقلی انجام شود که منظور از «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» در این روایات کیست؟ آیا امام حسن عسکری (ع) و امام هادی (ع) هستند؟ یا اینکه منظور ناصر اطروش و پدرش هستند؟

باتوجه به اسناد تفسیر در کتاب احتجاج (نک: طبرسی، الاحتجاج، 15) و نیز برخی از اسناد آثار صدوق (نک: ابن بابویه، معانی الاخبار، ۲۸۷ و ۲۸۸؛ همو، الأمالی، ۳۵۸؛ همو، علل الشرایع، ۱/۲۹۸) به نظر می‌رسد که تمامی اسناد صدوق از «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ»، منظور همان «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرِيُّ عَنْ أَبِيهِ» است که در نسخه‌برداری‌های بعدی آثار صدوق تحریف و تصحیف شده است و به امام یازدهم (ع) تغییر کرده‌اند (استادی، تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)، سراسر متن).

ب. وجود برخی تغییرات نسخه‌ای اسناد تفسیر: جدای از تفاوت‌های کلمات در متن تفسیر که به محتوای مطالب تفسیر باز می‌گردد، برخی از تغییرات حذفی و اضافی در برخی از کلمات نسخه‌های خطی تفسیر وجود دارد که این تغییرات مربوط به هویت ناقل و نویسنده اصلی تفسیر است؛ به این معنا که این تحریفات و تصحیفات منجر به تغییر هویت نویسنده یا گوینده اثر شده است. اکنون برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۱. تغییرات در کنیه حسن بن علی: مهمترین اختلاف اسناد نسخ خطی تفسیر عسکری که منجر به تغییر هویت نویسنده می‌شود، اختلاف در نگارش کنیه برای شخص حسن بن علی است. در اسناد نسخه‌های خطی تفسیر و در هنگام ذکر نام امام عسکری دو نوع کنیه درج شده است؛ یکی حضرت الامام ابی محمد الحسن بن علی بن محمد ابی القائم (ع) و دیگری حضرت الامام الحسن بن علی بن محمد ابی القائم (ع) (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۰ و ۳۱۶ و ۳۶۰).

امام حسن عسکری، یعنی ناصر اطروش (نک: آقا بزرگ تهرانی، ۲۵۹/۱۴؛ امین عاملی، ۱۷۹/۵) و نیز امام حسن عسکری (ع)، یعنی امام یازدهم ما شیعیان (ع) (نک: اربلی، ۲۷۱/۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب،



۴/۲۲)، هر دو کنیه‌ی ابی محمد داشته‌اند، اما کنیه‌ی ابی قائم اختصاص به امام یازدهم ما شیعیان دارد. در میان این تغییرات نسخ خطی مسئله‌ای مشکوک است که همان مسئله می‌تواند در تشخیص تصحیف صورت گرفته در سند تفسیر کمک‌رسان باشد. آن مسئله، ذکر دو دفعه‌ای کنیه برای حسن بن علی است؛ به این معنا که در برخی اسناد نسخ خطی، ابتدا یک بار کنیه‌ی ابی محمد ذکر شده و دوباره پس از درج نام حسن بن علی، کنیه‌ی ابی قائم درج شده است که در برخی از اسناد دیگر، این وضعیت دوگانه‌ی کنیه اصلاح شده و کنیه‌ی ابی محمد اول، از اسناد نسخ خطی حذف شده است (نک: عسکری، ۸۰۸ق و ۱۰ق و ۱۱: ۱).

این وضعیت اسناد گویای این است که در نسخ ابتدایی و اولیه‌ی تفسیر، تنها کنیه‌ی ابی محمد که کنیه‌ی ناصر اطروش نیز هست، وجود داشته است (نک: طبرسی، نسخه‌ی خطی احتجاج، ۵؛ همو، الاحتجاج، ۱۵). در مرحله‌ی بعد که کتاب تفسیر انتسابش به امام یازدهم شیعیان شکل گرفته است، کنیه‌ی ابی قائم به اسناد اضافه شده است. اما در نسخه‌برداری‌های بعدی نسخ تفسیر، برخی به این وضعیت دوکنیه‌ای ویژه توجه کرده‌اند و کنیه‌ی اول، یعنی ابی محمد را در نسخه‌برداری‌های خود حذف کرده‌اند (نک: نسخه‌ی خطی رضوی به شماره‌ی ۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ نسخه‌ی خطی مرعشی به شماره‌ی ۱۱۹۸۵، قرن ۱۱).

۲. تغییرات در اسناد پس از حسن بن علی: جدای از تفاوت راویان ابتدایی اسناد تفسیر در نسخ خطی احتجاج و نسخ خطی تفسیر عسکری، تفاوتی بسیار مهم در بخش دوم آن اسناد نسخ خطی؛ یعنی تغییرات اسناد پس از نام حسن بن علی وجود دارد که به علت اشتراک موضوع با عنوان بعد، در عنوان بعدی ذکر می‌شود.

**ج. هماهنگی سند نسخه‌ی خطی احتجاج:** اسناد تفسیر در کتاب احتجاج با کمی تفاوت در اختلاف «ابویهما» به عنوان راوی اضافه در سند یا توضیح اضافه، شبیه اسناد روایات شیخ صدوق از تفسیر است که آن اسناد همگی از «حسن بن علی عن ابی عن آباءه» است؛ با این تفاوت که در برخی از آن اسناد صدوق، «حسن بن علی ناصری» آمده است و در برخی اسناد، امام حسن عسکری(ع) درج شده است. بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که همگی این اسناد، در واقع حسن بن علی ناصری هستند که در نسخه‌برداری‌های آثار صدوق، تصحیف و تحریف شده‌اند (استادی، تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن).

طبق این اسناد که دارای «عن ابی» است، حتی اگر حسن بن علی، ناصر اطروش نباشد، نویسنده و گوینده‌ی اصلی تفسیر، امام هادی(ع) و عسکری اول، یعنی ابی حسن الثالث(ع) است. همان طور که ابن غضائری (حدود ۴۵۰ق) در رجال خود برای تفسیر عسکری اشاره کرده است: «و الآخر

علی بن محمد بن یسار عن ابیهما عن ابی الحسن الثالث (ع)» (۹۸). مهمترین تفاوت سند کتاب احتجاج (کهن ترین نسخه موجود ۷۳۶ق) با سند کتاب تفسیر (کهن ترین نسخه موجود ۸۰۸ق یا چندی بعدتر) در ناقل یا نویسنده اصلی کتاب تفسیر است؛ یعنی در حال حاضر با سه صاحب برای تفسیر عسکری روبه‌رو هستیم: ۱. امام حسن بن علی عسکری متوفای ۳۰۴ق؛ امام زیدیه، یعنی ناصر اطروش؛ ۲. امام علی بن محمد عسکری (ع) متوفای ۲۵۴ق، امام دهم امامیه؛ ۳. امام حسن بن علی عسکری (ع) متوفای ۲۶۰ق، امام یازدهم امامیه.

بنابراین، حداقل دانسته شد که سند کتاب احتجاج از تفسیر عسکری و نیز برخی از اسناد روایات شیخ صدوق از تفسیر عسکری (نک: ابن بابویه، معانی الاخبار، ۲۸۷ و ۲۸۸؛ همو، الامالی، ۳۵۸؛ همو، علل الشرائع، ۱/ ۲۹۸) با هویت ناصر اطروش یکسان یا حداقل هماهنگ است.

د. اسناد تفسیر و خاستگاه راویان و کاتبان آن: در برخی از موارد برای تشخیص هویت اثری می‌توان از خاستگاه و جغرافیای نشر نسخه‌های خطی و پخش یک اثر و علاقه‌مندان اولیه اثر بهره گرفت. برای توجه بیشتر در این موضوع تأملاتمان را در سه عنوان زیر پی می‌گیریم:

۱. معرفی اسناد نسخه‌های خطی تفسیر: نسخه‌های خطی تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) سه دسته‌اند؛ برخی دارای یک نوع سند و برخی دارای سند نوع دیگر و برخی دارای هر دو نوع سند هستند که در بخشی، از طریق افراد راویان با هم مشترک‌اند.

سند اول: (در نسخه‌های خطی ب، د، س، ص، و؛ نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۷). «قال شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القمی حدثنا محمد بن سراهنک الحسینی الجرجانی عن مهدی بن ابی حرب الحسینی المرعشی عن جعفر بن محمد الدوریستی عن ابیه عن محمد بن علی بن بابویه القمی قال أخبرنا محمد بن القاسم الاسترآبادی قال حدثنی یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سيار و كانا من الشيعة الامامية قالوا...» (نک: نسخه خطی رضوی به شماره ۱۱۶۵ با تاریخ قرن ۱۰؛ نسخه خطی مرعشی به شماره ۱۱۹۸۵ با قرن ۱۱).

سند دوم: (در نسخه‌های خطی ا، ب، د، ط، ق، و؛ نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۸). «قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن دقاق: حدثنی الشیخ الفقیه ان ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان و ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی (ره) قال: حدثنا الشیخ الفقیه ابو جعفر محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه القمی (ره) قال: ... (ادامه سند، همانند سند قبل).

۲. خاستگاه و جغرافیای راویان تفسیر عسکری: شیخ صدوق بیش از سی روایت از «مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي الْحَسَنِ الْاِسْتِرْآبَادِي» احتمالاً در سفرش به استرآباد و جرجان (حدود سال ۳۶۸ق)

از تفسیر عسکری دریافت و در برخی آثار خود نقل کرده است. راویان از شیخ صدوق تا عسکری همه استرآبادی هستند؛ یعنی محمدبن القاسم الاسترآبادی، یوسف بن محمد بن زیاد الاسترآبادی، علی بن محمد بن سیار الاسترآبادی (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۰). راویان اسناد تفسیر در قبل از شیخ صدوق نیز جدای از مجهولان، مابقی جرجانی و از منطقه طبرستان ناصر اطروش هستند؛ همانند محمد بن سراهنک المرعشی الجرجانی، مهدی بن ابی حرب المرعشی الجرجانی (نک: استادی، بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) تا شیخ صدوق، سراسر متن). همچنین جعفر الدوریستی با اینکه مجهول است، ولی از برخی آثار همانند «الرد علی الزیدیة» که برای او برشمرده اند (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ۳۲) می توان نتیجه گرفت که ظاهراً با زیدیه یا مناطق زیدی نشین در ارتباط بوده است. اگر کتاب احتجاج کنونی از ابومنصور احمد طبرسی باشد، گویای این مطلب است که این راوی تفسیر نیز از منطقه طبرستان است.

از همه این شواهد مهمتر، اساساً داستان خلق تفسیر، از منطقه استرآباد و طبرستان شکل گرفته است (عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۰). بنابراین، خاستگاه شکل گیری تفسیر و نیز جغرافیای زندگی راویان اسناد تفسیر عسکری، استرآباد و جرجان و در نهایت منطقه طبرستان است.

۳. خاستگاه و جغرافیای کاتب نسخه کهن: نام مالک و کاتب کهن ترین نسخه تفسیر، در دو جای نسخه این گونه «علی بن شرف الدین حلی (یا علی) کیا الحسنی (یا الحسینی) الرکابی» درج شده است (نک: استادی، معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن). وی شناخته نشد و ترجمه ای از او یافت نشد، ولی با توجه به تاریخ نسخه؛ یعنی قرن هشتم و نهم و نیز عنوان کتیب به نظر می رسد که کاتب نسخه از خاندان آل کیا در گیلان است. آل کیا یا کپیایان (۷۶۹ تا ۱۰۰۰ق) از سلسله های حاکم شیعی در گیلان هستند که نسب خود را به امام سجاد(ع) می رسانند. کپیایان با کمک سادات مرعشی طبرستان (که راوی اصلی تفسیر عسکری، یعنی مهدی مرعشی نیز از آنان است) در گیلان و مرکزیت لاهیجان تشکیل حکومت دادند. آن ها در آغاز حکومت، زیدی مذهب بودند و بعدها به اثناعشری گرویدند (نک: شریعتی فوکلائی، ۶۴).

شایان توجه است که برخی از نوادگان حسن بن علی اطروش و علمای فرقه ناصری که مروج وی بوده اند از خاندان آل کیا هستند؛ همانند مدکیا البخاری التنهجی، السید ناصر کیا ابن السید رضی کیا التیمجانی (که تفسیری نیز از ابی فضل بن شهردویر خریداری کرده است)، السید هادی کیا می اندهی (نک: علم الهدی، المسائل الناصریات، ۱۸۱).

بنابراین، قرائن احتمالاً کاتب نسخه کهن از نسل شیعیان زیدی گیلان بوده است که کتاب تفسیر

حسن بن علی عسکری، جزء میراث ایشان قرار داشته است. این فرضیه با چند مطلب سازگاری دارد: اول، با زیدی بودن داستان راویان اولیه تفسیر که در اسناد تفسیر تصریح شده است (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۰)؛ دوم، برخی از نوادگان حسن بن علی ناصر اطروش؛ همانند محمدکیابن حیدر کیا که از آل کیا بوده و حاکم زیدی بخش هایی از گیلان در قرن هفتم بوده است (نک: ناشناس، حدود قرن هشتم، برگ ۹). همچنین با راوی اصلی انتهایی اسناد تفسیر، یعنی مهدی مرعشی (م ۵۳۹ق) که از خاندان مرعشیان گیلان بوده است و در کتاب احتجاج نیز از او به عنوان راوی اصلی تفسیر نام برده شده است (نک: استادی، زندگی نامه تاریخی ابو جعفر المرعشی، سراسر متن).

### ۲.۳. دلایل مرتبط با ترجمه ناصر اطروش

وقتی شرح زندگی و احوال و آثار ناصر اطروش خوانده می شود، قرائن و شواهدی نیز می توان از ترجمه وی ارائه داد که انتساب کتاب تفسیر را به وی پررنگ می کند. برخی از آن ها عبارت اند از:

أ. **هماهنگی نام مؤلف و ناصر اطروش:** نام گوینده و املاکننده متن کتاب تفسیر، حسن بن علی و کنیه وی ابی محمد و لقب او عسکری است. از طرف دیگر، نام، کنیه و لقب ناصر للحق اطروش نیز این گونه است (در باره جزئیات و شرح آن ها به زودی سخن خواهیم گفت). این هماهنگی نام مؤلف تفسیر با ناصر اطروش می تواند شاهد بسیار گویایی باشد تا در کنار دیگر قرائن و شواهد، انتساب کتاب تفسیر عسکری به ناصر اطروش را پشتیبانی کند.

ب. **هماهنگی محتوای داستان های راویان تفسیر با ترجمه ناصری:** کتاب تفسیر عسکری موجود، سه داستان از راویان تفسیر در ارتباط با حسن بن علی عسکری دارد (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، 11 و 316 و 363). در محتوای داستان های تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، علانم و شواهدی وجود دارد که به وسیله آن ها می توان به نتایج درخور توجهی برای شناسایی هویت ناقل تفسیر به تعبیری، مؤلف تفسیر دست یافت. با توجه به قرائن و شواهد متنی داستان ها، همانند اینکه اسناد رنگ و بوی زیده دارند؛ داعی کبیر با حسن بن علی اطروش ارتباط داشته است؛ ناصر للحق مراکز آموزشی داشته است؛ هفت سال آموزش تفسیر با زندگی ناصر اطروش هماهنگ است و از همه مهمتر اینکه ناصر اطروش کتاب تفسیر داشته است، می توان گفت که این داستان های سه گانه تفسیر عسکری با زندگی و شرح حال و موقعیت ناصر اطروش در طبرستان هماهنگ است و می توان نتیجه گرفت که شخصیت گوینده تفسیر در این داستان ها، حسن بن علی عسکری زیدی، ملقب به ناصر اطروش زیدی است (نک: استادی، تجزیه و تحلیل داستان های راویان تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، سراسر متن).

ج. **اطروش کتاب های تفسیری و کلاس آموزش قرآن داشته است:** ناصر اطروش، جدای از علوم

مختلف اسلامی به تعلیم و آموزش قرآن و تفسیر می‌پرداخت (نک: مادلونگ، 83؛ امین عاملی، 5/180) و حتی مدارسی را برای آموزش قرآن و تدریس علوم ساخته است (نک: مسعودی، 373/4 و 377؛ امین عاملی، 5/180). برخی از اسناد تاریخی، همانند بعضی از پرسش و پاسخ‌های تفسیری از ناصر کبیر که اکنون باقی مانده است نیز این وضعیت علمی قرآنی وی را تأیید می‌کند (نک: حسینی اشکوری، ۱/۳۰۲؛ هارونی، 117؛ محلی، 2/61).

در منابع متقدم و متأخر زیدیه (نک: ناشناس، مخطوط، قرن ۸:۱۰) و نیز منابع دیگر، فهرستی از بیشتر آثار ناصر للحق و همچنین آثار قرآنی وی نام برده شده است که این آثار قرآنی و تفسیری عبارت‌اند از: تفسیر القرآن (نک: ناشناس، مخطوط، قرن ۸:۱۰؛ هوسمی، ۱۹، مقدمه عمادی؛ نک: دیلمی، تفسیر کتاب الله، مقدمه عمادی)؛ التفسیر: تفسیر دو جلدی که حاوی اشعار بوده است (نک: محلی، ۵۸/۲؛ اطروش، ۱۴)؛ تفسیر تسع سور من القرآن: در دو نسخه خطی کتابخانه و مؤسسه کاشف الغطاء نجف که در احوال علمای زیدیه است، کتابی با عنوان تفسیر تسع سور من القرآن برای ناصر للحق برشمرده‌اند (نک: ناشناس، مخطوط، قرن ۸:۱۰؛ ناشناس، مخطوط تحفه، ۱۷۷)؛ بیان الکفر و الایمان لکشف القرآن: در نسخه خطی کتابخانه کاشف الغطاء نجف، یعنی «رسالة فی علماء الزیدیه» در فصل آثار اطروش کتابی با عنوان «بیان الکفر و الایمان لکشف القرآن» ذکر شده است (نک: همان، مخطوط، قرن ۸:۱۰)؛ البساط: از میان کل آثار ناصر کبیر، دو اثر باقی مانده است که یکی از آن‌ها کتاب البساط است. این اثر کمتر از صد صفحه است اما بیش از سیصد آیه در آن به کار رفته است که یا این آیات، تفسیر شده یا مطالبی به آن‌ها استشهاد شده است (نک: اطروش، سراسر متن).

د. هماهنگی سلایق و مبانی فکری ناصر اطروش با تفسیر کنونی: درباره هماهنگی سلایق و مبانی فکری حسن بن علی ناصری با تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری(ع) از جهات مختلفی می‌توان سخن گفت که در اینجا و برای نمونه به یک ساحت آن می‌پردازیم. بیشتر آیات قرآن در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) تأویل شده‌اند و این تأویل‌ها غالباً درباره معجزات پیامبر(ص) و امامان شیعه است. تفسیر عسکری تأکید ویژه‌ای بر فضائل اهل بیت(ع) و مثالب دشمنان اهل بیت(ع) دارد (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۷ و ۴۷) و معنای شیعه و رافضی و نیز شجره ممنوعه و شجره علم محمد(ص) و اهل بیت(ع) ایشان در آن پررنگ است (نک: همو، همان، ۳۰۷ تا ۳۱۱). بنابراین، مؤلف به این موضوعات توجه خاص نشان داده است و در یک کلام این تفسیر، متنی سراسر امامتی و ولایی دارد.

اما از سوی دیگر، ناصر للحق شیعه‌ای بسیار ولایی است و آثار متعددی در امامت و اثبات آن یا

فضائل اهل بیت (ع) و معجزات ایشان نوشته است که در عنوان‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. بنابراین، این وجه مهم تفسیر کنونی منسوب به امام حسن عسکری (ع)، هماهنگی روشن و کاملی با افکار و علایق اطروش دارد.

ه. هماهنگی آثار دیگر ناصر اطروش با تفسیر کنونی: بیشتر آثار ناصر لاحق از بین رفته‌اند یا لااقل اکنون شناسایی و انتسابشان روشن نیست و اشاره شد که از میان کل آثار ناصر کبیر فقط دو یا سه اثر باقی مانده است. اما با توجه به متن و سبک تدوین کتاب البساط اطروش که اکنون در دسترس است، می‌توان مقایسه‌ای میان آن و تفسیر عسکری انجام داد. این مقایسه، گویای هماهنگی شکلی کتاب البساط با تفسیر عسکری دارد (نک: اطروش؛ عسکری، التفسیر الامام العسکری، سراسر متن).

پیش‌تر بیان شد که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) تفسیر ولایی و امامتی است که فضایل و اثبات امامت اهل بیت (ع) و معجزات ایشان، وجه غالب محتوای کتاب است. از سوی دیگر، اطروش در نگارش آثارش اهتمام ویژه‌ای به مسائل همانند تفسیر عسکری دارد. ناصر کبیر، آثار ولایی و امامتی فراوانی نوشته است؛ همانند: الاصول فی اثبات الامامة و الائمة من ولد امیر المؤمنین، الامالی (فی اخبار الذی یتضمن فضائل اهل البيت)، الامام المفترض الطاعة، الامامة (الصغیر)، انساب الائمة و موالیهم، انساب الطالبین، التوحید و العدل و الامامة، الحجج الواضحة (بالدائل الراجحة) فی الامامة، الظلامة الفاطمية، المتوسمین فی الامامة، المسترشد، النقض علی ابن الراوندی، النقض علی ابی بکر الاصم فی الاصول، صفة الامام، فدک و الخمس، فصاحة ابی طالب، معاذیر بنی هاشم فیما نقم علیهم (ناشناس، مخطوط، قرن ۸:۱۰)

وجود برخی از احادیث ناصر کبیر نیز در آثار فضائلی، همانند تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین از آثار زیدیه (نک: چشمی، ۴۰ و ۵۷ و ۶۰ و ۶۶ و ۱۰۷ و ۱۲۰ و ۱۴۵ و ۱۴۷ و ۱۵۴ و ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۱۷۲ و ۲۰۱)، نشان از سبک فکری و مذهبی او در تبیین مسئله امامت و ولایت دارد.

### ۳.۳. شواهد و دلایل متفرقه و جانبی

برای اینکه بگوئیم تفسیر عسکری متعلق به ناصر لاحق است، برخی دلایل، فرعی و شواهد جنبی به شمار می‌روند که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از:

أ. وجود برخی روایات از اطروش در منابع و تفسیر عسکری: هنوز تمامی روایات اطروش در منابع شیعی شناسایی نشده‌اند؛ زیرا این روایات با اسامی بسیار متفاوتی نقل شده‌اند. اما از برخی آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که گوینده تفسیر عسکری، ناصر کبیر است؛ برای نمونه حدیث منزلت در کشف الغمة به نقل از ناصر لاحق آمده است (اربلی، 298).

حدیث منزلت، جدای از کتاب سلیم که موضوع و جعلی است، اولین بار در منابع موجود شیعه در کتاب تفسیر عسکری آمده است (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۳۸۱ و ۴۸۵ و ۵۶۱). باتوجه به اینکه حدیث منزلت، منقول از ناصر للحق است و در کتاب عسکری نیز نقل شده است، به نظر می‌رسد که هر دو نقل از یک نفر، یعنی ناصر کبیر اطروش باشند.

ب. کثرت روایات امام رضا(ع) و پدرشان و علاقه زیدیان به ایشان: در تفسیر عسکری روایات زیادی از امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) وجود دارد که بیش از بیست روایت آن از امام رضا(ع) است (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، 30 و 50 و 51 و 52 و 55 و 313 و 314 و 316 و 321 و 324 و 331 و 336 و 344 و 350 و 360 و 361 و 476 و 558). از سوی دیگر، در منابع زیدیه همواره از امام رضا(ع) به بزرگی و عظمت یاد شده است و ایشان، اعتقاد و ارادت خاصی به امام رضا(ع) دارند، تا آنجا که برخی از منابع زیدیه، به ویژه از قرن پنجم و ششم به بعد، امام رضا(ع) را در ردیف امامان مذهب زیدیه نام برده‌اند (نک: بن حمزه، 2/131؛ حسنی مؤیدی، 153) و حتی برخی از ایشان معتقدند که امام کاظم(ع) و فرزندان او در قیام‌های سادات حسنی حضور داشته و بر باور زیدی بوده‌اند (نک: ابوالفرج اصفهانی، 304 و 355).

بنابراین، وجود روایات متعدد از امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) در کتاب تفسیر عسکری، هماهنگی کاملی با این رویه زیدیه دارد و همین مسئله می‌تواند قرینه و شاهد غیرمستقلی بر آن باشد که این تفسیر کنونی از ناصر اطروش زیدی است.

ج. دقاق ناقل تفسیر، راوی ناصر اطروش: در نسخه‌های خطی تفسیر عسکری دو نوع سند بر سرآغاز کتاب وجود دارد (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، مقدمه)؛ یکی مستقیم به نقل از محمدبن علی بن محمدبن جعفر بن الدقاق یا رفاق و دیگری با افتادگی نام وی. بنابراین، تمامی اسناد تفسیر عسکری به نقل از محمدبن علی دقاق است (نک: ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، 1/250؛ مجلسی، 1/57).

علی بن احمد الدقاق، راوی ناصر اطروش نیز است و شیخ صدوق، ناصر للحق را در روایت دقاق با این عنوان ذکر کرده است: «الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ النَّاصِرِيُّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ» (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲۵۰/۱). این سرنخی است که می‌توان به وسیله آن، ارتباط میان دقاق و ناصر اطروش و تفسیر عسکری را نشان داد.

د. نامه با نام اطروش در کتاب احتجاج: در پژوهشی جدید با ذکر شواهدی نشان داده شده است که توقیعات منسوب به شیخ مفید در کتاب احتجاج، در واقع نامه‌های ردوبدل شده میان ناصر کبیر اطروش

و ابن نعمان، حاکم ساریه طبرستان است که مربوط به واقعه فتنه حسن بن قاسم و کمک‌رسانی لیلی بن نعمان به بازگشت ناصر للحق به حکومت است (نک: استادی، بازشناسی نویسندگان توقیعات منسوب به امام عصر (ع)، سراسر متن).

از سوی دیگر، بخش درخور ملاحظه‌ای از کتاب احتجاج، وامدار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) است. پس با توجه به محتوای کتاب احتجاج و هماهنگی آن با علایق زیدیان متقدم و نیز خاستگاه ظهور و نشر این کتاب بعید نیست که حتی اگر خود متن کتاب احتجاج از زیدیان نباشد، لااقل تألیف کتاب از منابع زیدیان طبرستان صورت گرفته باشد یا نقش این منابع در تألیف احتجاج پررنگ باشد. بنابراین، حتی اگر نپذیریم که کتاب احتجاج کتابی کاملاً زیدی یا لااقل اثری برآمده از منابع زیدیان است؛ وجود نامه‌های اطروش در آن می‌تواند شاهی بر این باشد که تفسیر عسکری نیز با منابع زیدیه و ناصر اطروش ارتباط دارد.

#### ۴. منشأ اشتباه انتساب به امام عسکری (ع)

اشتباه سهوی و عمدی در انتساب آثار متقدم به افراد مختلف، پیش‌تر مکرراً وجود داشته است (نک: آقابزرگ تهرانی، ۱/۳۶۰). تحریفات و تصحیفات در اسناد روایی نسخ خطی نیز رخداد رایجی است؛ برای نمونه، در همین اسناد روایات صدوق از تفسیر، برخی از القاب و کنیه‌ها به نام حسن بن علی توسط بزرگان حدیثی متأخر و در تألیفاتشان به اسناد صدوق اضافه یا تغییر داده شده است که هویت و شخصیت راوی را به کلی تغییر داده است (نک: حر عاملی، ۹/۳۹۰؛ ۲/۴۳۶ و ۴۴۸؛ ۱۵/۲۲۶؛ ۲۱/۳۶۵؛ مجلسی، ۶/۱۲۱ و ۱۲۸ و ۱۳۲ و ۱۵۲ و ۱۵۵؛ ۸/۲۸۶؛ ۶۵/۱۸؛ ۶۸/۲۶۳).

بنابراین، دانستن منشأ اشتباه در یک انتساب می‌تواند قوت قلبی برای انتساب جدید و به‌نوعی، تأیید بازشناسی مؤلف باشد. درباره منشأ اشتباه انتساب تفسیر عسکری اطروش به امام یازدهم امامیه (ع) چند مطلب بیان‌شدنی است:

أ. هم‌نامی، هم‌کنیه‌ای و هم‌لقبی: ناصر للحق اطروش، از نظر نام، نام پدر، کنیه و لقب، مشابه امام یازدهم (ع) شیعیان است و همین شباهت بسیار زیاد، سبب شده است تا برخی از احادیث یا اثر اطروش به امام یازدهم، یعنی امام حسن عسکری (ع) منسوب شود؛ برای مثال، مسجد و پل امام حسن عسکری اطروش در آمل ایران که به امام یازدهم (ع) منسوب شده است (نک: استادی، تجزیه و تحلیل داستان‌های راویان تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، ۱۲۰).

نام حسن بن علی: نام اصلی ناصر کبیر یا ناصر للحق اطروش، حسن و نام پدرش، علی بوده است و وی در منابع و روایات زیدیه و نیز امامیه با عنوان حسن بن علی شناخته و یاد شده است (نک: اطروش،



مقدمه؛ علم الهدی، المسائل الناصریات، 89 و 263). روایات متعددی نیز که از وی در منابع شیعی همانند آثار صدوق وجود دارد نیز گویای همین مطلب است (نک: عیون اخبار الرضا، 1/137 و 254 و 266 و 274؛ 2/12 و 52؛ 2/167). شاید مهمترین دلیل انتساب اشتباه تفسیر اطروش به امام یازدهم(ع)، شباهت نام اطروش و نام پدر وی با نام امام یازدهم شیعیان و پدر ایشان باشد.

کنیه ابی محمد: حسن بن علی در مذهب زیدیه و غیر آن، با کنیه ابی محمد حسن بن علی یا ابومحمد الناصر للحق الاطروش خوانده می شده است (نک: ابن عنبه، 285؛ ابن اسفندیار، 1/117؛ اطروش، 6؛ علم الهدی، المسائل الناصریات، 263). بنابراین، وضعیت اشتراکی کنیه ناصر اطروش با امام یازدهم(ع) نیز می تواند دلیل روشن دیگری در منشأ اشتباه گرفتن وی با امام یازدهم(ع) ما شیعیان باشد.

لقب عسکری: معتصم عباسی (حکومت 218 تا 227 ق)، فرزند هارون عباسی، سپاهیان ترک زیادی را به خدمت گرفته بود و چون شهر بغداد ظرفیت آن تعداد سرباز را نداشت و مزاحمت مردم را در پی داشت، تصمیم گرفت تا جای مناسبی را برای دارالخلافه در نظر بگیرد و سامرا را انتخاب کرد. وی در سال ۲۲۱ ق سامرا را ساخت و پایتخت را از بغداد به آنجا منتقل کرد که این وضعیت تا سال ۲۷۶ ادامه داشته است. این شهر را عسکر یا عسکرالمعتصم می خواندند و کسانی که در آن زندگی می کردند یا منسوب به آن می شدند، عسکری خطاب می کنند (نک: محلاتی، سراسر متن).

افراد متعددی با عنوان عسکری خوانده می شوند که از جمله آنها، امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) (طریحی، ۱۸۵؛ قهپانی، ۱۹۴) و نیز پدر ناصر اطروش (نک: عمری، ۳۴۸؛ ابن طقطقی، ۲۷۷؛ امین عاملی، ۱۷۹/۵) و برخی از پسران اطروش، همانند حسین بن علی عسکری و حسن بن علی عسکری، یعنی خود ناصر کبیر هستند (نک: ابن عنبه، ۲۸۵). به دیگر سخن، پدر حسن بن علی اطروش را ابوالحسن العسکری خطاب می کرده اند (نک: اطروش، ۷۲) و گاهی خود ناصر اطروش را در مذهب زیدیه به همین مناسبت لقب پدرش، با عنوان العسکری یاد کرده اند (ابن عنبه، ۲۸۵).

از سوی دیگر، در متن اسناد و داستان ابتدای تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) آمده است: «... به حضور امام ابی محمد حسن عسکری...» (نک: عسکری، التفسیر الامام العسکری، ۱۰). بنابراین، جدای از هم نامی و هم کنیه ای ناصر اطروش و امام یازدهم(ع)، همین لقب عسکری نیز منشأ اشتباه در هویت انتساب تفسیر شده است و برخی از شیعیان که این کتاب یا روایات منقول از آن در دستشان قرار گرفته است، تصور کرده اند که منظور از امام حسن بن علی عسکری، امام یازدهم شیعیان است.

ب. عنوان امام و علیه السلام: همانند شیعیان امامیه که برای امامان خود از عنوان امام و نیز لفظ احترام علیه السلام استفاده می کنیم، شیعیان زیدیه نیز برای برخی از بزرگان دینی خود که شرایط ویژه ای

داشته‌اند از عنوان امام و نیز لفظ احترام علیه السلام استفاده می‌کنند.

زیدیه کسانی را که شروط امامت؛ یعنی فاطمی بودن، انتخاب از سوی مردم، اقدام به جهاد مسلحانه، امر به معروف و نهی از منکر، عالم دینی بودن (نک: شفق خواتی، ۹۳) را داشته باشند، امام می‌خوانند و می‌خوانند (نک: اطروش، مقدمه) و برای ایشان از پیشوند و پسوندهایی همانند شیعیان امامیه، همانند علیه السلام استفاده می‌کنند.

یک شیعه امامیه اگر به متنی برخورد کند که در آن نوشته شده باشد «امام حسن بن علی علیه السلام»، به راحتی تصور می‌کند که منظور از هویت شخص در متن، امام یازدهم شیعیان است. بنابراین، عجیب نیست که اگر شیعیان با دیدن احادیث یا آثاری که با مذهبشان هماهنگ باشد و ناقل و نویسنده این احادیث یا آثار «امام حسن عسکری علیه السلام» باشد، تصور کنند که این احادیث یا آثار از امام یازدهم شیعیان است.

**ج. راوی بودن پدر اطروش:** علی بن حسن بن علی بن عمر، پدر ناصر اطروش، راوی حدیث است و به عنوان نمونه از علی بن جعفر (ع) روایت کرده است و روایت او در منابع زیدیه وجود دارد (نک: اطروش، ۷۲). در منابع شیعه نیز از وی روایاتی تحت عنوان «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ» یافت می‌شود (نک: عریضی، ۱۰۳ و ۳۴۵؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۶۱/۱؛ خزاز رازی، ۲۳۷؛ طبری، ۱۵۳). البته روایات متعدد دیگری نیز با عنوان «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ» یافت می‌شود که میان پدر ناصر اطروش و علی بن فضال و دیگران مشترک‌اند (نک: خویی، مدخل‌های علی بن حسن بن علی) و باید تمییز داده شوند تا تعداد اصلی روایات پدر اطروش دانسته شود.

**د. هم‌دورگی و هم‌عصری:** حسن بن علی (ع) مشهور به امام حسن عسکری یا حسن اخیر، متولد سال ۲۳۲ ق و درگذشته سال ۲۶۰ ق است که از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ ق، به مدت شش سال امامت شیعیان امامیه را برعهده داشته است (نک: مفید، ۳۱۳/۲). از سوی دیگر، حسن بن علی مشهور به امام حسن عسکری یا ناصر للحق، سومین حاکم علوی طبرستان، متولد سال ۲۳۰ ق و درگذشته سال ۳۰۴ ق که از حدود سال ۲۸۷ یا پس از آن تا ۳۰۴ ق، به مدت حدود هفده سال یا کمتر امامت شیعیان زیدیه را برعهده داشته است (نک: محلی، ۶۰/۲).

بنابراین، امام حسن عسکری (ع) امامیه و نیز امام حسن عسکری زیدیه هر دو در یک طبقه و عصر زندگی می‌کرده‌اند و حتی ۲۸ سال از زندگی ایشان همانند است. همین هم‌دورگی و هم‌عصری می‌تواند در خطای ادراکی برای این‌همانی ایشان مؤثر باشد، به خصوص اینکه هر دو ایشان پس از درگذشت، مدنظر و احترام شیعیان بوده‌اند.

ه. مورد توجه بودن اطروش: ناصر کبیر جدای از زیدیه، به دلایل مختلفی حتی در میان شیعیان مورد توجه و احترام بوده است و این وضعیت وی، پس از حیات او نیز ادامه داشته است؛ به طوری که حتی محل دفن اطروش نیز زیارتگاه و مکانی جهت ردوبدل شدن احادیث شیعه بوده است (نک: طبری، ۱۳۹). بنابراین، همین وضعیت مورد توجه بودن این دو شخصیت، گاهی می‌تواند به اشتباه در انتساب اسامی مشترک ختم شود.

و. سرآغاز تغییر و مراحل تغییر انتساب: جدای از اینکه منشأ اشتباه در انتساب تفسیر اطروش به امامین عسکریین(ع) چه بوده است؛ این نکته حائز اهمیت است که سرآغاز این اشتباه در انتساب و نیز مراحل تغییر در انتساب چگونه بوده است که عبارت‌اند از:

۱. تصحیف در نسخه برداری آثار صدوق، سرآغاز تغییر انتساب: باتوجه به گزارش شکلی اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع)، روایات شیخ صدوق از تفسیر اطروش که اسنادش در آثار شیخ صدوق متعدد و تصحیف و تحریف یافته‌اند (نک: استادی، تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع)، سراسر متن)، به نظر می‌رسد که همین تصحیفات و تحریفات در اسناد صدوق احتمالاً سرآغاز تغییر در اسناد نسخه‌های خطی تفسیر عسکری نیز بوده است.

روایات صدوق تقریباً دو دسته‌اند: أ. روایات غیر کتاب عیون اخبار الرضا(ع) که در هفت کتاب موجود است: معانی الاخبار (۴) و ۲۴ و ۳۳ و ۳۶ و ۲۸۷ (دو حدیث) و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۳۳۹، الامالی (۴۰/۱۱) و ۱۱۰ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۳۵۸، عسل الشرایع (۱۴۰/۱ و ۲۹۸؛ ۴۱۶/۲)، التوحید (۴۷، ۲۳۰ و ۴۰۳)، الخصال (۴۸۴/۲)، کتاب من لایحضره الفقیه (۳۲۷/۲)، صفات الشیعة (۴۵). این روایات از نظر اسناد ناصر اطروش متفاوت‌اند؛ برخی پسوند ناصری را دارند و برخی ندارند، اما در ادامه این اسناد، عنوان‌ها «ابیه عن آبائه» آمده است؛ ب. روایات کتاب عیون اخبار الرضا(ع) که بیشترین تعداد روایات حسن بن علی را دارند (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۳۷ و ۲۵۴ و ۲۶۶ و ۳۷۴ و ۲۸۲ و ۲۸۸ و ۲۹۱ و ۲۹۷ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۵ و ۳۱۲؛ ۲/۲ و ۱۲ و ۵۲ و ۱۶۷). در این روایات، عنوان ناصری از پسوند نام حسن بن علی حذف شده است و همچنین، ترتیب روایان بعدی به گونه‌ای نوشته شده است که اسامی امامان شیعه اثنی عشری را تداعی می‌کند.

باتوجه به تصحیفات و تحریفات این اسناد در نسخه‌های خطی آثار شیخ صدوق که نام حسن بن علی ناصری به امامین عسکریین(ع) تغییر پیدا کرده و در دسترس عموم قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که وقتی نسخه‌های خطی تفسیر عسکری کنونی نیز در دستان برخی افراد نسخه بردار قرار گرفته و نام «ابی محمد حسن بن علی» را بر روی اسناد نسخه‌های خطی دیده‌اند، ایشان به خیال خود باتوجه به اسناد

روایات تحریف شده شیخ صدوق، این اسناد نسخه‌های خطی را تصحیح و همانندسازی کرده‌اند. به عبارت دیگر، اسناد نسخ خطی را از هویت ناصر اطروش به هویت امامین عسکریین (ع) تغییر داده‌اند.

۲. تغییر انتساب تفسیر، چند مرحله‌ای بوده است: به نظر می‌رسد که تغییر انتساب تفسیر عسکری در دو مرحله صورت گرفته است: مرحله اول، تغییر اسناد به امام هادی (ع)؛ مرحله دوم، تغییر اسناد به امام حسن عسکری (ع).

طبق سند تفسیر عسکری اطروش در کتاب احتجاج و نیز برخی از اسناد روایات شیخ صدوق از تفسیر که تحریف نیافته‌اند، اسناد تفسیر عسکری این‌گونه بوده است: حسن بن علی عن ابیه. برخی تصور کرده‌اند که حسن بن علی عن ابیه، یعنی امام هادی (ع) ناقل و گوینده اصلی تفسیر است و به این انتساب، در میان شیعیان امامیه رایج شده است؛ همان طور که ابن غضائری در رجال خود برای تفسیر عسکری نوشته است:

«و الآخر علی بن محمد بن یسار عن ابیهما، عن ابی الحسن الثالث (ع)» (ابن غضائری، ۹۸).

در مرحله دیگر که یا پس از مرحله قبل بوده یا اساساً به صورت مستقل رخ داده است؛ پس از آنکه لفظ «ابیه عن آبائه» در سند روایات صدوق تغییر یافته است، همین تغییرات به نسخه خطی کتاب تفسیر منتقل شده و عبارت «حسن بن علی عن ابیه عن آبائه» به طور کلی از اسناد تفسیر حذف شده است و نسخه بردار تفسیر، اساساً به طور سهوی یا عمدی درج کرده است که تفسیر از حسن بن علی عسکری، امام یازدهم شیعیان (ع) است. نسخه برداران بعدی نیز نسخه‌های خود را با این عنوان جدید، نسخه برداری کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

باتوجه به بعضی از شواهد متنی و جغرافیای راویان و نشر این تفسیر در منطقه طبرستان و نیز اسامی مشابه امام یازدهم شیعیان (ع) با حسن بن علی عسکری اطروش و شرح حال و زندگانی وی، این فرضیه طرح می‌شود که تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) متعلق به ناصر کبیر اطروش است.

دلایلی به سود این فرضیه وجود دارد که این دلایل را می‌توان در سه بخش دنبال کرد: دلایل مرتبط با اسناد و نسخه‌ها، دلایل مرتبط با ترجمه ناصر اطروش، دلایل متفرقه و جانبی، هرچند که هرکدام از این دلایل به تنهایی نمی‌تواند تمام ادعای ما را با قدرت پشتیبانی کند.

توجه به منشأ اشتباه انتساب به امام عسکری (ع) نیز می‌تواند قوت قلبی برای انتساب جدید و به نوعی، تأیید شناسایی مؤلف باشد. این دلایل عبارت‌اند از: ۱. هم‌نامی، هم‌کنیه‌ای و هم‌لقبی؛ ۲. عنوان امام و علیه‌السلام؛ ۳. راوی بودن پدر اطروش؛ ۴. هم‌دورگی و هم‌عصری؛ ۵. مورد توجه بودن اطروش.

بنابراین، تشابهات نامی و تاریخی اعجاب‌انگیزی که میان امام یازدهم (ع) و ناصر اطروش وجود داشته است، سبب خلط و اشتباه در انتساب روایات و آثار ایشان شده است.

این نکته نیز حائز اهمیت است که سرآغاز این اشتباه در انتساب، از تصحیف در نسخه برداری آثار صدوق شروع شده است و به نظر می‌رسد که این تغییر انتساب در دو مرحله، یعنی تغییر انتساب تفسیر به امام هادی(ع) و در تغییر انتساب به امام حسن عسکری(ع) صورت گرفته است.

## منابع

### قرآن کریم

- ابن اسفندیار، محمدبن حسن، تاریخ طبرستان، تهران: پدیده، ۱۳۶۶.
- ابن بابویه، محمدبن علی، التوحید، قم: بی‌نا، ۱۳۵۷.
- \_\_\_\_\_، صفات الشیعه، تهران: علمی، ۱۳۶۲.
- \_\_\_\_\_، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
- \_\_\_\_\_، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۹ق.
- \_\_\_\_\_، خصال، تهران: صدوق، ۱۳۸۹ق.
- \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا، نجف: الحیدریه، ۱۳۹۰ق.
- \_\_\_\_\_، کتاب من لایحضره الفقیه، قم: اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، علل الشرایع، قم: داوری، بی‌نا.
- \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا، تهران: جهان، بی‌نا.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی، معالم العلماء، نجف: الحیدریه، بی‌نا.
- \_\_\_\_\_، مناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
- \_\_\_\_\_، مناقب، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
- ابن طقطقی، محمدبن علی، الاصلی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۱۸ق.
- ابن عنبه، احمدبن علی، عمدة الطالب، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.
- ابن غضائری، احمدبن حسین، رجال، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، قم: دار الکتب، ۱۳۸۵ق.
- ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۷ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغممة، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
- استادی، رضا، «بختی درباره تفسیر امام حسن العسکری(ع)»، نور علم، ش ۱۳، دی ماه ۱۳۶۴، صص ۱۱۸ تا ۱۳۶.
- استادی، کاظم، «معرفی آثار قرآنی ناصرالحق اطروش»، مطالعات ایرانی اسلامی، س ۱۰، ش ۱، ۱۳۹۹، صص ۸۰ تا ۱۱۲.
- \_\_\_\_\_، «بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) تا شیخ صدوق»، قرآن و روشنگری

- دینی، س ۱، ش ۳، ۱۴۰۰، صص ۱۶۴ تا ۱۴۱.
- \_\_\_\_\_ «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)»، هفت آسمان، س ۲۴، ش ۸۳، ۱۴۰۱، صص ۵۹ تا ۳۱.
- \_\_\_\_\_ «بازشناسی نویسندگان توقیعات منسوب به امام عصر (ع) برای شیخ مفید»، انتظار موعود، س ۲۱، ش ۷۳، ۱۴۰۰، صص ۱۵۷ تا ۱۲۷.
- \_\_\_\_\_ «تجزیه و تحلیل اسناد تفسیر امام حسن عسکری (ع)»، حدیث پژوهی، س ۱۲، ش ۲، ۱۴۰۱، صص ۱۳۲ تا ۱۱۷.
- \_\_\_\_\_ «تجزیه و تحلیل محتوای داستان های راویان تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)»، مطالعات ایرانی اسلامی، س ۱۲، ش ۲، ۱۴۰۱، صص ۱۳۲ تا ۱۱۷.
- \_\_\_\_\_ «زندگی نامه تاریخی ابوجعفر المرعشی»، سخن تاریخ، س ۱۶، ش ۳۹، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۶۱ تا ۱۱۷.
- اطروش، حسن بن علی، البساط، یمن: التراث الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- امین عاملی، محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۲۱ ق.
- \_\_\_\_\_، الشیعه بین الحقائق و الاوهام، بیروت: اعلامی، ۱۳۹۵ ق.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن، قم: وجدانی، بی تا.
- بن حمزه، المنصور بالله عبدالله، مجموع رسائل الامام المنصور بالله، یمن: الامام زید بن علی الثقافه، ۱۴۲۲ ق.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- جشمی، محسن بن محمد، تنبیه الغافلین، تهران: شمس الضحی، ۱۳۸۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۶ ق.
- حسنی مؤیدی، مجدالدین بن محمد، التحف شرح الزلف، یمن: اهل البيت (ع)، ۱۴۴۱ ق.
- حسینی اشکوری، احمد، مؤلفات الزیدیه، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۱۳ ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی جا: مؤسسه خویی، ۱۴۱۳ ق.
- دراستی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۹۱.
- دیلمی، حسن بن محمد، قواعد عقاید، مصر: الثقافة الاسلامیة، ۱۳۶۹ ق.
- دیلمی، ابوالفضل بن شهردویر، تفسیر کتاب الله، با مقدمه محمد عمادی حائری، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۸۸.
- زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان، بیروت: دار احیاء، ۱۳۷۶ ق.
- شریعتی فولکلابی، حسن، حکومت شیعی آل کیا در گیلان، قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۸.

- شعرانی، ابوالحسن، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- شفق خواتی، محمد، «امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه مقاله»، حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۶، صص ۹۳ تا ۱۱۴.
- شوشتری، محمدتقی، الاخبار الدخيلة، تهران: صدوق، ۱۴۰۱ق.
- صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم: رضی، ۱۳۷۲ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف: نعمان، ۱۳۸۶ق.
- \_\_\_\_\_، نسخة خطی احتجاج، کتابخانه حوزه علمیه اردکان به شماره ۱۷۷، ۷۳۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: بعثت، بی تا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، جامع المقال، تهران: بوذرجمهری، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم: معارف اسلامی، ۱۴۲۹ق.
- عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر، بی جا: المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)، ۱۳۶۸.
- عسکری، حسن بن علی، التفسیر الامام العسکری، قم: بی نا، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، نسخة خطی تفسیر عسکری، کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۴۱۴، تاریخ کتابت ۸۰۸ق.
- \_\_\_\_\_، نسخة خطی تفسیر عسکری، کتابخانه آستان قدس رضوی بشماره ۱۱۱۶۵، تاریخ کتابت قرن ۱۰.
- \_\_\_\_\_، نسخة خطی تفسیر عسکری، کتابخانه مرعشی بشماره ۱۱۹۸۵، تاریخ کتابت قرن ۱۱.
- علم الهدی، علی بن حسین، المسائل الناصریات، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۸.
- \_\_\_\_\_، المسائل الناصریات، تهران: رابطة الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
- عمادالدین طبری آملی، محمد بن علی، بشارة المصطفی، نجف: الحیدریه، ۱۳۸۳ق.
- عمری، علی بن محمد، المجدی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۲۲ق.
- قهپائی، عنایة الله، مجمع الرجال، قم: اسماعیلیان، به تحقیق علامه، ۱۳۶۴.
- کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
- مادلونگ، ویلفرد، اخبار ائمة الزیدیه، بیروت: المعهد الالماني للابحاث الشرقیة، ۱۹۸۷م.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: الرسالة، ۱۴۰۳ق.
- محلاتی، ذبیح الله، مآثر الکبراء فی تاریخ سامرا، قم: الحیدریه، ۱۳۸۴.
- محلی، حمید بن احمد، الحدائق الوردیة، یمن: بدر، ۱۴۲۳ق.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، مصر: التجاریة الکبری، ۱۳۸۵ق.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، قم: دار المفید، ۱۴۱۴ق.

- میرداماد، محمدباقر بن محمد، شارع النجاة، تهران: جمال‌الدین میرداماد، ۱۳۹۷.
- ناشناس، التحفة البهية، کتابخانه کاشف الغطاء، شماره ۹۴۸۰، نجف، بی تا.
- رساله فی تراجم علماء، کتابخانه کاشف الغطاء، شماره ۱۵۷۳، نجف، حدود قرن ۸.
- ناظمی، ربابه، «تبارشناسی روایات تفسیر العسکری و تاثیر آن بر اعتبارسنجی تفسیر»، قرآن و حدیث، س ۱۲، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۷۳ تا ۳۹.
- هارونی، یحیی بن حسین، الافادة اردن: امام زید بن علی، ۱۴۱۶ق.
- هوسمی، محمد بن یعقوب، الابانة، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۸۹.
- واردی، تقی، تاریخ علویان طبرستان، قم: دلیل ما، ۱۳۸۹.

